

بررسی حقوق و جایگاه سیاسی زنان در امور مربوط به مدیریت نظام اسلامی در اندیشه حضرت امام خمینی (ره)

(تاریخ دریافت ۱۴۰۱/۰۷/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۱/۱۲/۱۸)

پوریا بیگدلی

عضو مرکز وکلای قوه قضائیه استان همدان

چکیده

با آنکه زنان همیشه دوشادوش مردان در رشد و شکوفایی جوامع انسانی گاه به صورت مستقیم و گاه به صورت غیر مستقیم نقش بسزایی داشته اند اما جایگاه آنان در بسیاری از موارد به صورت منصفانه تبیین نگشته است. در حقوق اسلامی حق حاکمیت انسانها ذاتا از آن خداست؛ و ولایت پیامبران و امامان و بالتبع فقهای جامع الشرایط در غیاب ائمه نیز ناشی از ولایت الهی است. در اسلام برای هر یک از زنان و مردان حقوق و تکالیفی متناسب با روحیات و شاکله ی وجودیشان تعریف شده است. تدقیق و تحلیل در اندیشه ها و مواضع بنیانگذار انقلاب اسلامی نمایان می نماید که وی اعتقاد بر این داشتند که زنان بصیر و پاکدامن می توانند ضمن حفظ عفت خویش آزادانه در سیاست، تحصیل، انتخاب شغل، انتخابات، انجام معاملات شرکت کنند. الگوی انقلاب اسلامی در کنار اینکه فضا را برای حضور فعال زنان در عرصه های مختلف را فراهم ساخت اما حساسیت های خاص خود را نیز تبیین می نماید و تا آنجایی که این امور به نقش های کلیدی آنان از جمله مادری و همسری خدشه ای وارد نسازد مخالفتی ندارد. از همین رو پذیرش مدیریت در سطوح میانی و نه در سطح اول زمامداری را برای آنان در حدود شرعی و قانونی را جایز دانسته و موافق حضور وی در عرصه ها و صحنه های مختلف اعم از سیاسی و فرهنگی و اجتماعی است و لازمه پیشرفت جامعه و سعادت و ترقی آن می داند.

واژگان کلیدی: حقوق اسلامی، زنان، زمامداری، انقلاب اسلامی، حاکمیت

مقدمه

زنان همیشه دوشادوش مردان در رشد و شکوفایی جوامع انسانی گاه به صورت مستقیم و گاه به صورت غیر مستقیم نقش بسزایی داشته اند قرآن کریم بعنوان کامل ترین نسخه جهت راهنمایی انسان ها نازل شد تا مبین نقش و حقوق و تکالیف هر یک از زن و مرد باشد در کلام الهی گرچه در ظاهر و در پاره ای از موارد حقوق و تکالیف شباهتی ندارند اما با تدقیق می توان دریافت که برابری دارند و با رعایت و عمل به آموزه های ان می توان خوشبختی و ترقی جامعه را فراهم ساخت. طی سالیان متمادی و گواه تاریخ گاه زنان به عنوان مایملک مردان و گاه بعنوان کالایی پر زرق و برق مورد تحقیر و بی مهری جوامع قرار گرفته اند در دوره کنونی نیز علی رغم ادعاهای پوچ جوامع غربی نگاه ابزاری به طرق مختلف به بانوان هنوز به شدت و حدت خود باقی است. انسان بلفطره و به فرمان خلقت و طبیعت، واجد یک سلسله حقوق و آزادی هاست این حقوق و آزادی ها را هیچ فرد و گروه به هیچ عنوان و با هیچ نام نمی توانند از فرد یا قومی سلب کنند، حتی خود صاحب حق نیز نمی تواند به میل و اراده خود آنها را به غیر منتقل نماید و خود را عریان و منسلخ سازد؛ و همه مردم اعم از حاکم و محکوم، سفید و سیاه، ثروتمند و مستمند در این حقوق و آزادی ها با یکدیگر متساوی و برابرند. (مطهری، ۱۳۹۶: ۱۳) در دوره معاصر و دوران تهاجم فرهنگی غرب زنان را در مسلخ فروش کالا و فساد و فحشا قربانی کرده و این مرکز عطوفت و فضیلت را به ابتذال کشانده بودند در طول دوران حاکمیت فاسد پهلوی نیز زنان مسلمان زیر فشار فرهنگ استعمار و استبداد در گیر چالش هایی گشت حضرت امام خمینی (ره) در این باره فرمودند: (این اسلام که در ایران زنده شد، ان خدمتی را که به بانوان کرده است و خواهد کرد، ارزشش به اندازه ای است که نمی توانیم ما توصیف کنیم. اگر این انقلاب نبود این تغییر و تحولی که در ایران واقع شده بود، بعد از چند سال دیگر اثری از اخلاق اسلامی در ایران نبود)

آنچه در این نوشته مورد بررسی قرار گرفته است مدیریت نظام اسلامی و حقوق زنان در این ارتباط است که به صورت تحلیل مطالب و گردآوری به طریق کتابخانه ای است؛ سخن از این مهم که اسلام بعنوان شریعت حاکم بر نظام اسلامی چه نقش و حقوقی را برای زنان در عرصه

نظام مدیریتی حکم نموده و حضرت امام خمینی به عنوان بنیانگذار کبیر نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران چه حقوقی برای بانوان در این عرصه تبیین نموده اند؟

بخش اول: نگاهی اجمالی به مقوله قرآن و حاکمیت

قران کریم حاکمیت را ذاتا از آن خداوند می داند زیرا اوست که مالک حقیقی و افریننده ی هر آنچه در آسمان ها و زمین است و تخصیص حاکمیت به غیر ذات حق را مردود میداند ایاتی مانند "ما تعبدون من دونه الا اسماء سمیتوها انتم وءاباؤکم ما انزل الله بها من سلطان ان الحكم الا لله امر الا تعبدوا الا اياه ذلك الدين القيم ولكن اكثر الناس لا يعلمون" (یوسف ۴۰)

"قل انی علی بینة من ربی و کذبتم به ما عندی ما تستعجلون به ان الحكم الا لله یقص الحق وهو خیر الفصلین" (انعام ۵۷) البته واضح است که خداوند در عالم مادی قابل تجسم نیست تا خود به صورت مادی زمامدار مقتدر حکومت حکمرانی کند لذا به همین جهت نمایندگان خویش را که همان پیامبران الهی هستند را مبعوث نمود در این باره در حدیث شریفه ای از امام جعفر صادق وجود دارد که می فرماید (إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى جَعَلَ الدُّنْيَا كُلَّهَا بِأَسْرِهَا لِخَلِيفَتِهِ حَيْثُ يَقُولُ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً فَكَانَتِ الدُّنْيَا بِأَسْرِهَا لِأَدَمَ وَصَارَتْ بَعْدَهُ لِلْأَبْرَارِ وَلِدِهِ وَخُلَفَائِهِ) (الکافی ج ۵ ص ۱۳)

در مدیریت نظام اسلامی نیز طبیعتا اسلام مبین حقوق و تکالیف مردم است و این مهم در قانون اساسی به خوبی به ان اشاره شده است چرا که اگر حکومت اسلامی مطابق با مواضع اسلام شکل نگیرد همانا از اهداف خود باز می ماند و مسیر تعالی خود را طی نخواهد کرد.

بخش دوم: امام خمینی و تبیین اندیشه مدیریت حکومت اسلامی

صفت اسلامی بودن مدیریت و به بیان صحیح تر حاکمیت اسلامی لازمه و شایسته ی تعریف آن است یعنی نوعی از حکومت دینی در جوامع مسلمان که احزاب یا اشخاص سعی بر پیاده سازی قوانین بر پایه احکام و معارف اسلامی هستند. حضرت امام خمینی در آغاز نهضت تشکیل و تحقق انقلاب اسلامی درمورد ضرورت این امر فرموده اند: ما موظفیم برای تشکیل حکومت اسلامی جدیت کنیم. اولین فعالیت مادر این راه تبلیغات تشکیل می دهد. بایستی از راه تبلیغات پیش بیایم. در همه عالم همیشه همین طور بوده است. چند نفر باهم می نشستند، فکر می کردند تصمیم می گرفتند، و به دنبال آن تبلیغات می کردند؛ کم کم نفرات همفکر اضافه

می شد، سرانجام به صورت نیرویی در یک حکومت بزرگ نفوذ کرده یا با آن جنگیده، آن را ساقط می کردند. شما الان نه کشوری دارید و نه لشکری؛ ولی تبلیغات برای شما امکان دارد. دشمن نتوانسته همه وسایل تبلیغاتی را از دست شما بگیرد. البته مسائل عبادی را باید یاد بدهید، اما مهم مسائل سیاسی اسلام است؛ مسائل اقتصادی و حقوقی اسلام است. اینها محور کار بوده و باید باشد. وظیفه ما این است که از حالا برای پایه ریزی یک دولت حقه اسلامی کوشش کنیم؛ تبلیغ کنیم؛ تعلیمات بدهیم؛ همفکر بسازیم؛ یک موج تبلیغاتی و فکری بوجود آوریم تا یک جریان اجتماعی پدید آید و کم کم توده های آگاه وظیفه شناس و دیندار در نهضت اسلامی متشکل شده، قیام کنند و حکومت اسلامی تشکیل دهند. تبلیغات و تعلیمات دو فعالیت مهم و اساسی ماست. (امام خمینی، ولایت فقیه: ۱۲۸)

همچنین امام خمینی (ره) در مورد ضرورت تبیین نحوه مدیریت حکومت اسلامی بیان می دارند: وظیفه ماست که این مطالب را تذکر بدهیم؛ طرز حکومت اسلامی و روش زمامداران اسلام را در صدر اسلام بیان کنیم؛ بگوییم که دارالاماره و دکه الفضای (وزارت دادگستری) او (حضرت علی علیه السلام) در گوشه مسجد قرار داشت، ودانیه حکومتش تا انتهای ایران و مصر و حجاز و یمن گسترش داشت. متأسفانه وقتی حکومت به طبقات بعدی رسید، طرز حکومت تبدیل به سلطنت و بدتر از سلطنت شد. باید این مطالب را به مردم رسانید و آنان را رشد فکری و سیاسی داد. باید گفت که چگونه حکومتی می خواهیم و زمامدار و متصدیان امور حکومتی چگونه باید باشند و چه رفتار و سیاستی در پیش گیرند. زمامدار جامعه اسلامی چه کسی است که با برادرش عقیل، چنان رفتار میکند تا هرگز از درخواست تبعیض اقتصادی و اضافه کمک از بیت المال نکند. دخترش را که از بیت المال عاریه مضمونه گرفته بازخواست میکند، و می فرماید اگر عریه مضمونه نبود تو اولین هاشمیه ای بودی که دست قطع میشد ما چنین حاکم و زمامداری می خواهیم. زمامداری که مجری قانون باشد نه مجری هوس ها و تمایلات خویش (امام خمینی، ولایت فقیه: ۱۳۱)

حضرت امام خمینی (ره) اهمیت تشکیل و تبیین نظام اسلامی و حکومت اسلامی را بخوبی دریافته بود و بخوبی می دانست برپایی حاکمیت اسلامی بدون رعایت آموزه های اسلام، شریعت و سنت ائمه ناممکن است لذا در تمام سخنرانی ها و اظهارات و مکتوبات خود به این

امر مهم اشاره داشت و من جمله فرمودند: آنچه مربوط به خلافت است و در زمان رسول اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) و ائمه ما (علیهم السلام) درباره آن صحبت و بحث شده و بین مسلمانان هم مسلم بوده این است که حاکم و خلیفه اولاً باید احکام اسلام را بداند یعنی قانوندان باشد و ثانیاً عدالت داشته، از کمال اعتقادی و اخلاقی برخوردار باشد. عقل همین اقتضای دارد. زیرا حکومت اسلامی حکومت قانون است نه خودسری و نه حکومت اشخاص مردم. اگر زمامدار مطالب قانونی را نداند لایق حکومت نیست. چون اگر تقلید کند قدرت حکومت شکسته میشود و اگر نکند نمی تواند حاکم و مجری قانون اسلام باشد. و این مسلم است که "الفقهاء حکام علی السلاطین" سلاطین اگر تابع اسلام باشند باید به تبعیت فقها در آیند و قوانین و احکام را از فقها بپرسند و اجرا کنند. در این صورت حکام حقیقی همان فقها هستند، پس باید حاکمیت رسماً به فقها تعلق گیرد، نه به کسانی که به علت جهل به قانون مجبورند از فقها تبعیت کنند. (مستدرک الوسائل ج ۱۷، ص ۳۲۱، کتاب القضاء، ابواب صفات قاضی، باب ۱۱، حدیث ۳۳)

بخش سوم: امام خمینی و اندیشه اسلام و زنان

برخلاف آموزه های تحریف شده غرب که نقش زنان کمرنگ دانسته و آموزه هایی سراسر مرد سالارانه دارند و یا حوا را اغواگر حضرت ادم دانسته و باعث هبوط وی گردید اما اسلام زن و مرد را از جهت انسانیت و جایگاه برتری نمی دهد و تنها تقوا را لازمه فضل هریک از دو جنس میدانند، امام خمینی در این راستا فرموده اند: ((عنایتی که اسلام به بانوان دارد بیشتر از عنایتی است که بر مردان دارد. مردان بر ملت ها حق دارند و زن ها حق بیشتر دارند. زن ها مردان شجاع را در دامن خود بزرگ می کنند. قرآن کریم انسان ساز است، و زن ها نیز انسان ساز. وظیفه زن ها انسان سازی است. اگر زن های انسان ساز از ملت ها گرفته شود ملت ها شکست خواهند خورد و منقطع خواهند شد زن ها هستند که ملت ها را تقویت میکنند، شجاع می کنند... مقام زن مقام والا است؛ عالیرتبه هستند. بانوان در اسلام بلند پایه هستند (صحیفه امام، ج ۶: ۲۹۹)

قرآن کریم در مورد برابری زن و مرد میفرماید: "وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ اُنْثٰی وَ هُوَ مُؤْمِنٌ قَاوِلُکَ یَدْخُلُوْنَ الْجَنَّةَ وَ لَا یُظْلَمُوْنَ نَقِیرًا" (نساء، ۱۲۴)

و در جایی دیگر در مورد بهره‌مندی زن و مرد از روح الهی می‌فرماید: "فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ" (حجر: ۲۹) با این حال اسلام در مورد تفاوت‌های ساختاری و نقش‌های هر یک از دو جنس و قدرتی که هریک بهتر می‌توانند با اتکای به آن شایسته عمل کنند غافل نبوده است و بعنوان مثال در باب دیه آمده است که "الرجال قَوَامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا انْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ" (نساء، ۳۴)

بر این اساس این آیه که ناظر به تفاوت خلقی مرد و زن است:

اولاً؛ وضع قوانین همیشه جنبه عام و کلی دارد. مرد با ویژگی‌های خاص خود انسان کاملی است. زن نیز با ویژگی‌هایش انسانی کامل است. کمال مرد به مرد بودن او است. کمال زن به زن بودن او. بنابراین از جهات معنوی و توانایی رسیدن به کمالات اخلاقی هر دو مساوی‌اند ثانیاً؛ در دیه جهات معنوی و کمالات قاتل و مقتول تأثیری ندارد، بلکه دیه، بهای ارزش اقتصادی و نقش اقتصادی مقتول است. اگر مقتول مرد باشد، دیه او بیش تر است، چرا که تامین هزینه‌های زندگی وظیفه مرد است. به همین دلیل در اثر قتل، فقدان او بر زن و فرزندانش تأثیر بیش تر خواهد داشت. اما اگر مقتول زن باشد، دیه او کم تر است. چون شرعاً نفقه‌ای بر عهده‌اش گذاشته نشده؛ نقش کم تری به لحاظ اقتصادی دارد. در نتیجه این تفاوت است، نه تبعیض. بین تفاوت و تبعیض بسیار فرق است. کارگری که از توان کاری بیش تری بهره‌مند است، تفاوت دارد با کارگری که ضعیف است و توانایی کارهای سنگین را ندارد. مزد آنان فرق می‌کند. اگر کارفرما یک کارگر قوی و یک کارگر ناتوان را به طور مساوی مزد بدهد، به حق کارگر قوی ظلم کرده و این کار بی‌عدالتی فاحش است. اگر خداوند دیه مرد و زن را به طور مساوی قرار می‌داد، با عدالت سازگار نبود. به گواه تاریخ گرچه ورود زنان به جنگ‌ها به دلیل ابعاد روانشناختی و توانایی جسمانی آنان میسر نبود حضور زنانی مانند تُسبیّه، جراحه و ام عطیه که در بسیاری از غزوات و جنگ‌های پیامبر (ع) حضور داشتند و عهده دار مسئولیت امداد بودند، راه را برای زنان امت اسلامی باز کرده که در صورت نیاز، می‌توانند با حضور مستقیم به عنوان پرستار و همچنین شرکت غیر مستقیم، مانند تشویق مردان برای رفتن به جبهه، فرستادن امکانات و کمک برای زرمندگان اسلام اقدام کنند. تحول و انقلاب عظیمی که دین اسلام در مردم آن زمان بوجود آورد، تنها مردان را در

برنگرفت، بلکه از زنان نیز انسانهای فداکار و ایثارگر و با شهامتی ساخت که نقش بسزایی در پیروزی مسلمانان داشتند بعنوان مثال امّ عطیه می گوید: "من در هفت غزوه به همراه پیامبر(ص) شرکت کردم و علاوه بر انبارداری، معالجه مجروحین جنگی را نیز عهده دار بودم" (طبقات الکبری ج ۸، ص ۴۴۵)

در برخی روایات آمده که رسول خدا(ص) زنان را با خود به جنگ می برد، سماعه از امام باقر(ع) یا امام صادق(ع) نقل می کند که پیامبر(ص) جهت معالجه مجروحان، زنان را نیز به جنگ فرا می خواند؛ از غنایم چیزی به آنها نمی داد، لکن مبلغی به ایشان عطا می کرد(فروع کافی، ج ۵، ص ۴۵) برخی مفسران از جمله علامه طباطبایی در مورد تفاوت های ادراکی زنان و مردان به استناد ایه شریفه که می فرماید: "أَوْ مَنْ يُنشَأُ فِي الْحِلْيَةِ وَهُوَ فِي الْخِصَامِ غَيْرُ مُبِينٍ" (زخرف: ۱۸)^۷ استدلال نموده است که درباره میل و علاقه شدید زن به زینت مورد استدلال و بحث واقع شده. وی همچنین در تفسیر این آیه، می نویسد: خداوند متعال این دو صفت (پرورش در زینت و عدم توانایی بر استدلال و محاجّه) را برای زن ذکر کرده؛ زیرا جنس زن طبیعتاً از احساسات و عواطف سرشاری برخوردار و نیروی تعقل او در قیاس با مرد ضعیف تر است و جنس مرد به عکس این است. از روشن ترین نشانه های عواطف سرشار زن، میل و گرایش او به زیور و زینت و عدم توانایی و ضعف او در مقام بیان دلیل و حجّت است که مبتنی بر نیروی عقلانی است. وی از این آیه وابستگی زیاد زن به زیور و زینت را استفاده می کند و همین را نشانه فزونی عواطف و احساسات در زنان می داند. او ویژگی اصلی زنان را برخورداری از عواطف و احساسات سرشار و ضعف تعقل در مقایسه با مرد دانسته و بر این باور است که دو صفت در زنان مظهر این ویژگی هستند: نخست علاقه شدید به زیور و زینت که از جمله (أَوْ مَنْ يُنشَأُ فِي الْحِلْيَةِ) استفاده می شود و دوم عدم توانایی بر بیان مقصود خویش در استدلال و برهان که جمله (وَهُوَ فِي الْخِصَامِ غَيْرُ مُبِينٍ) بر آن دلالت دارد. وی علت ویژگی دوم را چنین بیان می کند: استدلال و برهان نیازمند نیروی عقلانی زیاد است که زنان در مقایسه با مردان، در این امر ضعیف ترند. (سید محمدحسین طباطبائی، پیشین، ج ۱۸، ص ۹۰)

البته این سخن بدین معنا نیست که زنان قوه تعقل ضعیفی دارند بلکه به معنای آن است که در واقع قدرت تعقل در هر دو جنس وجود دارد، ولی در مرد به لحاظ اینکه مانع کمتر می باشد،

اقتضای تعقل بیشتر است. مطالب به دست آمده در علوم جدید نیز این توجیه را تأیید می کنند. این علوم عوامل متعددی را در تفاوت ادراک مؤثر می دانند. از جمله این عوامل، علاقه و رغبت های شخص ادراک کننده است. گرایش قوی تر زنان به امور عاطفی و احساس سبب می شود از میان محرک های گوناگون، که در برابرشان ایجاد می شود و پدیده ادراک در واقع پاسخ گویی به آن محرک هاست، به محرکی پاسخ گویند که تناسب و سنخیت بیشتری با روح حساس و عاطفی شان دارد. در نتیجه، عاطفی بودن جنس مؤنث موجب می گردد کانون توجه وی به امور مناسب و همسو با عواطف جلب گردد، در حالی که مردان کمتر عاطفی اند و تأثیرگذاری این عامل در آنان ضعیف تر است. تأثیر این تفاوت، گوناگونی ادراک مرد و زن را در پی دارد (استیفن پی رابینز، مدیریت رفتار سازمانی، ج ۱، ص ۲۰۳)

بخش چهارم: حقوق زنان در عرصه سیاست از منظر امام خمینی

جایگاه سیاسی هر فرد نشاندهنده تکالیف و حقوق وی است حضرت امام خمینی (ره) مشارکت سیاسی را امری اجتناب ناپذیر می دانست و حتی بالاتر از یک حق یا به اصطلاح حقوقی امتیاز ویژه، آنرا یک تکلیف چه برای زنان و چه برای مردان می دانست. شخصیت چندبعدی امام خمینی و مطالب و مباحث فراوانی که از ایشان در حوزه های فکری گوناگون از جمله فقهی و سیاسی و... برجای مانده است نشان دهنده و موید این مطلب است که ایشان از نقش و جایگاه زنان در عرصه سیاست نیز غافل نبوده است. امام خمینی از زنان میخواهد در جهت تثبیت و توسعه سیاسی نظام اسلامی نیز فعال و کوشا باشند و همچنین می فرماید: (امور سیاسی مخصوص یک طبقه نیست، زن ها هم باید دخالت کنند و جامعه را حفظ کنند. زن ها هم باید در فعالیت های اجتماعی و سیاسی هم دوش مردها باشند) (صحیفه نور ج ۱۸، ص ۴۰۳) امام خمینی علاوه بر تصدیق نقش مهم زنان در توسعه نظام سیاسی بر آشنایی کامل زنان از اوضاع سیاسی داخلی، منطقه ای و بین المللی و منطقه ای تاکید ویژه ای داشتند و فرموده اند: بحمدالله مشغول فعالیت دینی هستید و بینش سیاسی هم بین شماها هست. در بین بانوان ایران، هم بینش دینی هست، هم بینش سیاسی. (صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۳۶۱)

از دیگر مواردی که حضرت امام خمینی در مورد زنان توصیه نموده اند توجه به جایگاه اجتماعی زنان و نقش مترقیانه آنان در همبستگی اجتماعی است و حتی آنان را پیش قدم در

نهضت مقدس انقلاب می دانستند در همین راستا فرموده اند: من به همه اقشار ملت خصوصا بانوان که سهمی بسزا در این نهضت مقدس دارند و داشتند علاقه متواضعانه دارم و بانوان را در این نهضت پیش قدم می دانم؛ و کرارا گفته ام که بانوان حق بیشتری براسلام دارند؛ خصوص بانوان جنوب شهر تهران، انگیزه قیام اسلامی هستند، و راهنمای سایر اقشار.

او همچنین می فرماید: نقش زنان در پیروزی انقلاب اسلامی کمتر از مردان نبود، آنان در میدان ها حاضر شدند و بواسطه حضور آنان در میدان ها، مردها اگر قوتشان کم بود، زیاد شد و اگر قوی بودند دوچندان شد. و آنچه که خود شما شاهد بودید در این نهضت اسلامی و انقلاب اسلامی حاضر است، در این انقلاب اسلامی نقش شما بانوان از مردها بالاتر بود. یعنی شما هم خودتان فعالیت می کردید و هم مردها را به فعالیت می کشانیدید، بنابراین افتخاری که شما ایجاد کردید قابل تقدیر فراوان است. امام راحل یکی دیگر از حقوق اساسی زنان را حضور فعالانه در اجتماع می دانند و ضمن رد جریان های سیاسی ضداسلام که با تبلیغات گسترده خود سعی بر تخریب آن داشتند و اسلام را ضد آزادی می دانستند فرموده اند: این تبلیغات که اگر اسلام پیدا شد، مثلا دیگر زنها باید بروند در خانه ها بنشینند یک قفلی هم رویش بزنند بیرون نیایند؛ این چه حرف غلطی است که به اسلام نسبت می دهند؟ صدر اسلام زنها در لشکرها هم بودند؛ توی میدان های جنگ هم می رفتند. اسلام با دانشگاه ها مخالف نیست، با فساد دانشگاه ها مخالف است؛ با عقب نگه داشتن دانشگاه ها مخالف است. با دانشگاه استعماری مخالف است؛ اسلام با هیچ چیز این مظاهر تمدن مخالفت ندارد، با هیچ قشری از شماها مخالفت ندارد. اسلام دست زن ها را گرفته و در قبال مردها نگه داشته؛ در صورتی که در زمانی که پیغمبر اسلام آمد، زن ها را هیچ حساب می کردند. اسلام زن ها را قدرت داده است. اسلام زن ها را در مقابل مردان قرار داده؛ نسبت به آنها تساوی دارند. البته یک احکام خاص به مرد است که مناسب با مرد است؛ یک احکام خاص به زن است، مناسب با زن است. این نه این است که اسلام نسبت به زن و مرد فرقی گذاشته است. زن و مرد همه آزادند در اینکه دانشگاه بروند؛ آزادند در اینکه رای بدهند، رای بگیرند. آنی که مخالفند، این است که اینطوری که اینها زن را می خواهند بار بیاورند که یک ملعبه ای در دست مردها باشد، به قول شاه ((زن خوب است فریبا باشد)) ما می خواهیم این کلمه را بگیریم، این غلط را بگیریم. ما می خواهیم زن آدم

باشد مثل سایر آدم‌ها، انسان باشد مثل سایر انسان‌ها، آزاد باشد مثل سایر آزادها. (سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج ۲۰ اذر ۱۳۵۷-پاریس) حضرت امام خمینی (ره) بر خلاف برخی از تفکرات و اظهارات افراطی که در قبال حضور زنان در عرصه‌های اجتماعی حد و حصری قائل نبود بر حضور زنان ضمن حفظ حریم و رعایت دستورات اسلام تاکید داشتند: (شما زنان باید در صحنه‌ها و میدان‌ها آن قدری که اسلام اجازه داده وارد باشید. مثل انتخابات که امروز عملی است که باید انجام گیرد... برای انتخابات خانم‌ها هم باید فعالیت بکنند برای اینکه فرقی بین شما و دیگران در سرنوشت نان نیست. سرنوشت ایران سرنوشت همه است... اسلام شما را حفظ کرده و شما متقابلاً اسلام را حفظ کنید) (صحیفه نور ج ۱۸ ص ۲۶۳)

بنابراین از آنجایی که در نظام اسلامی زنان حق رای دارند و تاکید فعالیت آنان در عرصه اجتماعی وجود دارد نشان دهنده این امر است که حضرت امام حضور زنان را در اجتماع به شرط رعایت حدود و مقررات الهی مروج فحشا نمی‌دانند. امام راحل در تمامی فرمایشات خویش از چالش‌هایی که پیش روی زنان بود نیز هیچ‌گاه غافل نبودند تاکید امام به حفظ حجاب در دوران حکومت پهلوی که همچون عصر جاهلیت شخصیت زن در زیرپاهای تنومند تبعیض و بی‌عدالتی خرد میشد و زن بازیچه دست هوس بازان بود و در مسلخ فلسفه مادی گرایانه غرب قربانی شده بود موید همین چالش‌های زنان برای حضور در اجتماع بود. که ایشان هوشیارانه در برابر دسیسه‌ها و به‌احیای شخصیت زن ایرانی و چهره زن مسلمان پرداخت و در چهارچوب جهان‌بینی توحیدی و مقام انسانی زن را تبیین نمود: ((شاید شما هیچ کدامتان یادتان نباشد که آنوقت چه کردند، کوچک بودید اما من تلخی این کشف حجابی که اینها کردند و اسمشان را بعداً آزادزنان و آزادمردان پسر رضاخان گذاشت من تلخی اش باز در ذائقه ام هست. شما نمی‌دانید چه کردند با این زن‌های محترمه و چه کردند با این قشرها. الزام می‌کردند هم تجار را، هم کسبه جزء را، هم روحانیت را، به این که مجلس بگیرد و زن‌هایتان را بیاورید در مجلس، بیاورید در مجلس عمومی. آن وقت اگر اینها تخلف می‌کردند کتک دنبالش بود، همه چیزها و حرفها بود و اینها می‌خواستند زن را وسیله قرار بدهند از برای اینکه سرگرمی حاصل شود برای جوان‌ها و در کارهای اساسی وارد نشوند. طریق‌های مختلف داشتند برای اینکه جوان‌های ما را این دانشگاه‌های مارا همه این قشرها

نگذارند به فکر خودشان بیفتند، بفکر مملکتشان بیفتند. از آن طرف همان مسئله کشف حجاب با آن فضا حتی که آنها کردند و با آن رفتاری که با زن های محترمانه کردند و با آن رفتاری که با روحانیون کردند در این مسائل که حتی به آقای کاشانی آمدند تکلیف کردند که شما باید وارد شوید در این مجلس، شما باید مجلس بگیرید. این هم برای این بود که این جوان هارا، جوانهای غافل زن و مرد را وارد کنند در میدان و سرگرمشان کنند به هم. و از اساس مسائل اینها غافل باشند. همچنین مراکز فحشایی که اینها درست کرده اند از تهران تا آخر تجریش صدها مراکزی بود که مال عشرتکده و امثال ذلک بود (صحیفه امام ۱۹۱-۱۹۲)

با توجه به اهمیت حجاب در رشد کرامت زنان، حضرت امام، نهضت رضاخانی را که به تقلید از فرهنگ غرب در ایران اجرا شد، الگو برداری از پوشش زنان اروپایی و مایه ننگ کشوری اسلامی می دانست.

«اصل و اساس بر این بود که انحراف درست کنند. اساس بر اصلاحات نبود. اساس بر این بود که نگذارند یک مملکتی رشد بکند. لهذا از آن می فهمیم که آن کشف حجابی که رضا خان به تبع ترکیه به تبع غرب و مأموریتی که داشت، آن برخلاف مصلحت مملکت ما بود. و ما دیدیم که عضو فعالی که کار از او برمی آید شماها بودید. با همین وضعی که الان اینجور حضور دارید، با همین وضع به خیابانها ریختید و به نهضت کمک کردید.» (صحیفه امام، ج ۷، ص ۳۳۳) امام، زن را نه مظهر فریب و بازیچگی، که مبدأ خیرات و سعادت می دانست و می خواست از وجود زن در ارتقا و تعالی جامعه استفاده کند، او را موجودی بس با کرامت و عظمت می دید که سعادت و شقاوت جامعه تا حد زیادی به دست اوست. امام خمینی حجاب را موجب حفظ شخصیت زن، پیشرفت جامعه و دور ماندن آن از ابتذال می داند و بر این باور است که با حفظ حجاب ارزشهای والای انسانی محفوظ میماند و معیارهای معنوی در جامعه سیر صعودی به خود می گیرد. امام خمینی می فرماید:

«امروز باید خانم ها به وظایف اجتماعی و دینی خودشان عمل کنند و عفت عمومی را حفظ بکنند و روی آن عفت عمومی کارهای اجتماعی و سیاسی را انجام بدهند.» (صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۱۹۳-۱۹۲)

تأکید حضرت امام بر حجاب بیانگر روشن بینی ایشان در لزوم نگاهبانی ارزشهای اسلامی و جلوگیری از مفسد ناشی از رعایت نکردن حجاب است. ایشان نه فقط حجاب را مانع کسب علوم، فضایل و فرهنگ نمی دانست، بلکه آن را موجب تقویت حریم عفاف، تحکیم ارزش های انسانی، پالایش روح و عامل استحکام خانواده می شمرد.

«بانوان محترم ایران ثابت کردند... که در دژ محکم عفت و عصمت هستند و جوانان صحیح و نیرومند و دختران عفیف و متعهد به این کشور تسلیم خواهند کرد و هیچگاه در آن راههایی که قدرتهای بزرگ برای تباه کردن این کشور پیش پای آنها گذاشته بود، نخواهند رفت.» (صحیفه امام، ج ۱۴: ۳۵۶)

«روحانی می گوید این کشف حجاب ننگین یا نهضت با سرنیزه برای کشور ضررهای مادی و معنوی دارد و به قانون خدا و پیغمبر حرام است. روحانی میگوید این کلاه لگنی پسمانده اجانب، ننگ کشور اسلام است و استقلال ما را لکه دار می کند و به قانون خدا حرام است.» (امام خمینی، ۱۳۲۷: ۲۱۳) حضرت امام اگرچه چادر را حجاب کاملی می دانستند ولی پوشش های مشابه چادر - مانند مانتو گشاد - که موجب مفسده نمی شود را نیز کافی می دانستند و قائل بودند که اگر قرار باشد پوشش بانوان همراه با مفسده و خلاف اخلاق باشد باید از آن در جامعه جلوگیری شود همان طور که در پاریس در پاسخ خبرنگاران و بانوان محجبی که درباره میزان حجاب در ایران از ایشان سؤال کردند؛ فرمودند:

«آری در اسلام زن باید حجاب داشته باشد، ولی لازم نیست که چادر باشد. بلکه زن می تواند هر لباسی را که حجابش را به وجود آورد اختیار کند. ما نمی توانیم و اسلام نمی خواهد که زن به عنوان یک شیء و یک عروسک در دست ما باشد. اسلام می خواهد شخصیت زن را حفظ کند و از او انسانی جدی و کارآمد بسازد. ما هرگز اجازه نمی دهیم تا زنان فقط شیئی برای مردان و آلت هوسرانی باشند.» (صحیفه امام، ج ۵، ص ۲۹۴)

امام در جمع بانوان به مناسبت روز زن در بیست و دوم اسفند ماه ۶۳ اظهار کردند: «باید توجه داشته باشید که حجابی که اسلام قرار داده است، برای حفظ آن ارزشهای شماس. هرچه را که خدا دستور فرموده است... برای این است که آن ارزشهای واقعی که اینها دارند

و ممکن است به واسطه وسوسه های شیطانی یا دستهای فاسد استعمار و عمال استعمار پایمال می شدند اینها، این ارزشها زنده بشود.» (صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۱۸۵)

حضرت امام در باب آزادی زنان در انتخاب پوششان در مصاحبه با خبرنگار روزنامه گاردین به تاریخ ۵۷/۸/۱۰ فرمودند: «زنان در انتخاب فعالیت و سرنوشت و همچنین پوشش خود با رعایت موازین آزادند و تجربه کنونی فعالیتهای ضد رژیم شاه نشان داده است که زنان بیش از پیش آزادی خود را در پوششی که اسلام می گوید یافته اند.» (صحیفه امام، ج ۴، ص ۲۴۷) از نگاه امام، نماد ارزشمند و بسیار روشن زن در جامعه اسلامی، زنی است که در بر اندازی رژیم شاه و پس از آن در مراحل تصویب و تثبیت جمهوری اسلامی نقش ارزنده ای داشته. حتی انقلاب اسلامی گاه به نام انقلاب چادرها نامیده می شود. این زن در جنگ و دفاع نقش تعیین کننده ای دارد و در هدایت و رهنمود جوامع جزو رسولان و فرستادگان دینی است. از منظر امام، زن مربی و مظهر آمال بشر است و از دامن وی مرد به معراج می رود و اگر آنان از ملت ها گرفته شوند ملت ها به شکست و انحطاط کشیده می شوند.

بند اول: الگونگاری امام(ره) برای زنان

الگو در کلام و سیره عملی امام، پیوند عملی و اطاعت و متابعت و پیروی و سرمشق برگزیدگان است. الگوی مذهبی و نمونه ای که امام خمینی معرفی می کند، به معنای اقتدا به ایمان و علم و ادب و شجاعت و ایثار و جهاد و مکارم اخلاق و عفت است. این الگوها فقط اندرز نمی دهند، بلکه راهکارها و نمونه های گفتاری و رفتاری را ارائه می کنند، تا بالندگی در زمینه های مختلف به گونه عینی ثابت گردد. آنها معرفی می کردند تا انسانها هدایت و روشنگری یابند و از ارتکاب کژیها سر باز زنند. از دیدگاه امام خمینی(ره)، حضرت فاطمه زهرا(ص) و نیز حضرت زینب(ع) الگوهای برازنده هستند، که زنان مسلمان باید در تمام زمینه ها از آنان پیروی کنند، زیرا آنان کسانی اند که هویت انسان در آنها جلوه گر است. آنها زنانی هستند که افتخار خاندان وحی اند و چون خورشیدی بر تارک اسلام می درخشند. حضرت زهرا(س) زنی است که فضایل او هم تراز فضایل بی نهایت پیغمبر اکرم(ص) و خاندان عصمت و طهارت(ع) است. زنی که هر کس، با هر بینش، در باره او گفتاری دارد، ولی از عهده ستایش او برنیاورده است. بانوی عالم اسلام، زنی روحانی و ملکوتی و به تمام معنا انسان

است. او نسخه تمام انسانیت و حقیقت تمام زن و انسان است (صحیفه نور ج ۶، ص ۱۸۵) او موجودی الهی جبروتی است که در صورت یک زن ظاهر شده است. زنی که تمام ویژگیهای انبیا در او است. او است که حرکت معنوی را از مرتبه طبیعت شروع کرده، با قدرت الهی و تربیت رسول اکرم (ص) به مرتبه ای رسیده که دست همه از او کوتاه است. این گونه زن، یکی از هدفهای آفرینش است و تأویل «حیّ علی خیر العمل» نیکی به او و فرزندان او است. (بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۴۴)

رهبر کبیر انقلاب، عبادت، فصاحت و بلاغت، فرزاندگی و دانش، معرفت و حکمت، جهاد و مبارزه، رفتار مادرانه و احساسات و شخصیت جامع الاطراف حضرت فاطمه زهرا را الگوی زن مسلمان می داند. ایشان معتقد است: ارزش و مقام والای حضرت زینب (س) از حرکت عظیم انسانی و اسلامی او بر اساس تکلیف الهی و تصمیم گیری بر مبنای شناخت دقیق و صحیح موقعیتها ناشی می شود. لذا زنانی که فاطمه زهرا و زینب کبرا - علیهما السلام - را الگوی خود قرار داده باشند، باید زندگی خویش را بر اساس فهم درست، هوشیاری در درک موقعیتها، انتخاب بهترین کارها در حد فداکاری و پایداری در راه انجام تکلیف الهی بنا نهند. سکینه کبرا شاگرد حضرت زینب یکی از مشعلهای معرفت و دانش در تاریخ اسلام محسوب می شود، و این خود نشان دهنده آن است که پیروی زنان مسلمان از آن حضرت به معنای قرین شدن با دانش، معرفت، بینش جهانی، روشنفکری و فرهنگ است. امام، زنان بزرگواری را که زینب گونه، در راه خدا و اسلام از همه چیز گذشته و به این امر مفتخرند، می ستاید ایشان به ملت توصیه می کند چگونگی مبارزه با حکومت قلدران را از زینب کبرا (س) بیاموزند و ببینند چگونه مصایب در نزد او کوچک است. از آن رو که اهل بیت سیدالشهدا تکلیف و فداکاری در میدان و تبلیغ در خارج از میدان را به ما آموختند و خطبه های حضرت زینب به اندازه مبارزه امام حسین (ع) در مقابل جائز تأثیر داشته است. (صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۱۷۲، همان، ج ۱۷، ص ۵۹)

بند دوم: حق و تکلیف زنان در عرصه فرهنگ و تربیت

از مهمترین عرصه های حضور اجتماعی که، بانوان وظیفه دارند در آن مشارکت فعال داشته باشند، تلاش در عرصه ی فرهنگ به معنای وسیع کلمه است. و حضرت امام، بارها بر این مهم

که طبعاً بخش عمده ای از حیات اجتماعی را در بر می گیرد تأکید کرده اند: شما می دانید که فرهنگ اسلام در این مدت مظلوم بود، در این مدت چند صد سال، بلکه از اول بعد از پیغمبر سلام الله علیه تا برسد به حالا فرهنگ اسلام مظلوم بود، احکام اسلام مظلوم بودند، این فرهنگ را باید زنده کرد و شما خانمها همان طوری که آقایان مشغول هستند، همان طوری که مردها در جبهه علمی و فرهنگی مشغول هستند، شما هم باید مشغول باشید (صحیفه نور، ج ۱۹ ص ۲۸۹) امام راحل نظارت فعال و متعهدانه بر آنچه که در جامعه اسلامی می گذرد و تلاش برای حسن جریان امور، حق و تکلیفی بر همه ی آحاد جامعه، چه زنان و چه مردان می دانست و همواره تأکید می داشت که زن نیز باید در نظارت بر امور، خود را مسئول بداند. لازمه نظارت مسئولانه علاوه بر آگاهیهای لازم، حضور فعالانه و اظهار نظر در مسائل است: باید همه زنها و همه مردها در مسایل اجتماعی، در مسایل سیاسی وارد باشند و ناظر باشند؛ هم به مجلس ناظر باشند، هم به کارهای دولت ناظر باشند، اظهار نظر بکنند. (صحیفه نور ج ۱۳ ص ۷۰) این فرمایش امام، تفسیری از فرمان کلام الله مجید در آیه ۷۱ سوره توبه است که به صراحت پیوند مسئولانه و ایمانی زنان و مردان مؤمن را متذکر شده و آنان را عهده دار مسئولیت امر به معروف و نهی از منکر برمی شمارد، همان گونه که مسئول اقامه نماز و ادای زکات و پیروی از خدا و رسول می داند، این چنین جامعه ای است که با چنان پیوندهای ایمانی و مناسبات اجتماعی مسئولانه و نظارت همه جانبه در کنار انجام دیگر وظایف دینی است که مورد لطف و عنایت خداوند قرار می گیرد.

بند سوم: نقش آفرینی زنان در عرصه های مدیریتی

در اسلام مدیریت بر مبنای ارزشهای الهی اسلام و دستورات و قوانین خداوند، زمینه های تعالی انسان را فراهم می آورد. این امر چه در سطح جامعه و چه در سطح سازمان مصداق دارد، در عین حال ذکر این نکته نیز ضروری است که این امر مغایرتی با بکارگیری اصولی که در مدیریت از نظر صاحب نظران غربی مورد قبول قرار گرفته است، ندارد. مدیریت از دیدگاه صاحب نظران غربی، در واقع به کار بردن مجموعه ای از تکنیکها و روشهای ابزاری است تا مدیر و سازمان یا جامعه را به اهداف تعیین شده برساند. این امر فی نفسه چندان بد و مذموم نیست. مقایسه این دو رویکرد، نشاندهنده جایگاه برتر و متکاملتر مدیریت اسلامی است که

جدا از مقوله هدف، به چگونگی نیل به آن و نیز تعالی انسانها نظر دارد. مروری بر تحقیقات انجام شده در خصوص مدیریت و رهبری در جوامع غربی نشان می دهد که رویکردهای جدید رهبری و مدیریت غربی توجه به ارزشهای انسانی و اخلاقی را عاملی اثربخش جهت نیل به اهداف پیدا کرده اند. مواردی مانند صداقت، تعهد، وفاداری، تواضع، عدالت که در دیدگاه اسلام مبانی اساسی در روابط رهبران و پیروان (در هر سطح) به شمار رفته و از بدو ظهور اسلام، به وسیله پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) و سپس ائمه معصومین (علیه السلام) مورد توجه اکید قرار گرفته به تازگی مورد توجه صاحب نظران علوم مدیریت در غرب قرار گرفته اند. به عبارت دیگر، مدیریت غربی در حال نزدیک شدن به رویکرد اسلامی مدیریت است (حسن زاده، عزیزخانی: ۱۳۹۰)

زنان در در جامعه ای که هنوز اسلام وجود نداشت جایگاه ویژه ای نداشتند از جمله اینکه اجازه ی کسب علم و فعالیت در عرصه های اجتماعی و... را نداشتند و حتی جنایت زنده به گور کردن دختران در دوران جاهلیت وجود داشت. از طرفی دیگر در جوامع غربی نیز جاهلیت به شکل مدرن پی ریزی شد وزن را بازیچه ای در صنعت های مد و فشن و یا سینمای هالیوود قرار داده اند و از او همچون برده ای برای رسیدن به اهداف سودجویانه ی خود استفاده می کنند. همچنین در سده ی اخیر شاهد الگوبرداری نظام فاسد پهلوی از جنبش های فمینیستی و لیبرالیستی و مارکسیستی و ماتریالیستی و برگزاری جشن های ۲۰۰۰ ساله متأثر از کارناوال های مبتذل غربی بودیم که باز هم زن مورد استفاده ابزاری قرار می گرفت. اما پس از انقلاب اسلامی که ادامه ی راه اسلام است تمامی مفاهیم از زن تغییر کرده است و در روایات داریم که پیغمبر مکرم اسلام بزرگترین فضیلت دوران خودشان که همان علم آموزی بود را مثل مردان بر زنان نیز واجب دانستند و زن را بسیار اهمیت بخشیدند

"يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يُبَايِعَنَّكَ عَلَى أَنْ لَا يُشْرِكْنَ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا يَسْرِقْنَ وَلَا يَزْنِينَ وَلَا يَقْتُلْنَ أَوْلَادَهُنَّ وَلَا يَأْتِينَ بِنُهْتَانٍ يَفْتَرِينَهُ بَيْنَ أَيْدِيهِنَّ وَأَرْجُلِهِنَّ وَلَا يَعْصِيَنَّكَ فِي مَعْرُوفٍ قَبَائِعِهِنَّ وَاسْتَغْفِرْ لَهُنَّ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ" (ممتحنه، ۱۲)

همان طور که پیش تر بیان شد حضرت امام خمینی (ره) باور بر این داشتند که زنان می توانند در عرصه های اجتماعی فعالیتی موثر و مسئولانه داشته باشند، در ابتدای امر و در بدو پیروزی

انقلاب اسلامی وضعیت نابسامان ناشی از تفکر غالب سنتی بر خانواده های ایرانی نقش زنان کمرنگ شده بیشتر روی بر خانه داری و اموری این چنینی آوردند با آغاز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، حضور زنان در پشت جبهه و پایگاههای کمک رسانی، سبب تقویت روحی و حمایت مالی بسیار قوی و مؤثری در جهت پایداری و مقاومت رزمندگان (که اغلب فرزندان و همسران خود آنان بودند) گردید. پس از پایان جنگ و آغاز دوران سازندگی دیگر عرصه های مختلف اجتماعی، برای رشد و توسعه ای فراگیر؛ حضور زنان را به مشارکت در همه عرصه های اجتماعی می طلبد و نیاز به این نیمه دیگر پیکره جامعه شدیداً احساس می شد.

با خاتمه جنگ و آغاز دوران سازندگی لزوم گسترش فعالیت زنان در عرصه های مختلف اقتصادی صنعتی بیش از پیش احساس شد. لغو بسیاری از محدودیتهایی که در رشته های دانشگاهی، رشته های فنی مهندسی تا سال ۱۳۷۲، برای زنان وجود داشت، عاملی برای رشد و توسعه زنان گردید و زنان توانستند تا حدودی پستهای علمی و تحقیقاتی را اشغال نمایند. " (صائمان، مجله تحول اداری، شماره ۱۷) تفکر و اندیشه امام خمینی (ره) در قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز منعکس گردید و زنان همچون مردان حقوقی برابر از جمله حق تحصیل و اشتغال را دارا هستند همچنین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و برنامه ها و سیاست گذاریهای توسعه، بر افزایش میزان مشارکت زنان در امور اجتماعی و اقتصادی و نیز ایجاد محیطی امن برای فعالیت هر چه بیشتر زنان تأکید دارد. بند ۱۴ اصل سوم قانون اساسی بر تأمین حقوق همه جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون تأکید دارد. اصل ۲۱ قانون اساسی نیز بیان می نماید: دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید و امور زیر را انجام دهد:

- ۱) ایجاد زمینه های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او
- ۲) حمایت مادران، بخصوص در دوران بارداری و حضانت فرزند و حمایت از کودکان بی سرپرست

۳) ایجاد دادگاه صلح برای حفظ کیان و بقای خانواده

۴) ایجاد بیمه خاص بیوه گان و زنان سالخورده و بی سرپرست

در دیدگاه امام خمینی (ره) که می فرمایند: "از نظر حقوق انسانی تفاوتی بین زن و مرد نیست زیرا که هر دو انسانند". (سید ضیاء مرتضوی، امام خمینی و الگوهای دین شناختی در مسایل زنان، ص ۴۰).

و بر پایه همین دیدگاه یکسان نگرى زن و مرد است که می فرماید: "در علم و تقوا کوشش کنید که علم به هیچ کس انحصار ندارد. علم مال همه است" (همان ص ۴۶) و یا در وصیت نامه سیاسى الهى خویش می فرماید: "ما مفتخریم که بانوان و زنان پیر و جوان و خُرد و کلان در صحنه های فرهنگى و اقتصادى و نظامى حاضر و همدوش مردان یا بهتر از آنان، در راه تعالى اسلام و مقاصد قرآن کریم فعالیت دارند".

خطاب به زن ها فرمود: "همان طوری که مردها در جبهه علمى و فرهنگى مشغول هستند، شما (زن ها) هم باید مشغول باشید". (همان ص ۱۱۱)

برای تشویق بانوان به توسعه دامنه علوم و توانایی های علمى می فرماید: "حالا طوری شده است که خانم ها همدوش با سایر برادران در تحصیل علم و عرفان و فلسفه و تمام شُعب علم و انشاء الله صنعت، فعالیت می کنند. (همان ص ۱۲۸)

اصلى را که لازم است در پایان به آن توجه شود این است که سازمان خانواده مانند هر سازمان دیگرى نیازمند به مدیریت است. اسلام بر اساس رعایت "اصل تناسب ساختار" مدیریت را به عهده مرد نهاده است. بنابراین لازم است زن برای اشتغال خارج از منزل، موافقت شوهر را در هنگام ازدواج و خواندن عقد یا بعد از آن، داشته باشد.

بند چهارم: حضور زنان در صحنه های جهاد و فعالیتهای سازنده

جهاد در اسلام به طور کلی دو نوع است. یا جهاد ابتدایى است که به فرمان امام معصوم صورت می گیرد و در آن مسلمانان آغازکننده جنگ هستند که یا جهادى است که برای حمایت از ارض و عرض و جان و ناموس مسلمانان است که به جهاد تدافعى مشهور است و جنگ ایران و عراق یکی از نمونه های آن بود. هر چند که طرف مقابل هم، به ظاهر، خود را مسلمان معرفى می کرد. باید دانست که «در آیات قرآنى ارزش جهاد به جنسیتی خاص محدود نشده است و در فقه اسلامى نیز جهاد برای دفاع از سرزمین اسلام، مکتب و مسلمانان بر زن و مرد واجب است.» (شخصیت و حقوق زن در اسلام، مهدى مهرزى، ص ۶۶)

در عین حال گفته شده شرکت در جهاد ابتدایی (جنگی که نخست از سوی مسلمانان آغاز شود) برای زنان واجب نیست لکن آنها می‌توانند در جهاد شرکت کنند (یعنی واجب نبودن جهاد به معنای حرام بودن آن نیست) و تنها محدودیت اجباری در این زمینه عدم قتال است که به گفته یک محقق «دلایل روانی دارد.» (همان)

با وجود اختلاف‌های بسیار در برداشت‌های فقهی از متن آیات و روایات و در نتیجه اختلاف فتاوا، در مورد عدم وجوب جهاد برای زنان هیچ اختلافی بین فقها وجود ندارد و همه آنان ذکوریت را شرط وجوب جهاد می‌دانند. البته در اسلام برای زنان جهادهای دیگری ذکر شده است. مثلاً از پیامبر (ص) نقل است که زن جهاد بدون خونریزی دارد و آن حیج و عمره است یا این که از امیرالمومنین (ع) نقل شده است جهاد زن، خوب شوهرداری کردن و صبر بر اذیت‌ها و مشکلاتی است که زندگی زناشویی بر او تحمیل می‌کند و این موضوعات دقیقاً در راستای رویکرد اسلامی است که اولویت اصلی برای زنان را خانه و خانواده می‌داند. حضرت امام خمینی (ره) در بخشی از وصیت نامه سیاسی الهی خویش فرموده اند: ما مکرر دیدیم که زنان بزرگواری زینب گونه - علیها سلام الله - فریاد می‌زنند که فرزندان خود را از دست داده و در راه خدای تعالی و اسلام عزیز از همه چیز خود گذشته و مفتخرند به این امر؛ و می‌دانند آنچه به دست آورده اند بالاتر از جنات نعیم است، چه رسد به متاع ناچیز دنیا. (امام خمینی ۱۳۶۸: ۱۴۶)

ایشان همچنین می‌افزایند: "ما مفتخریم که بانوان و زنان پیر و جوان و خرد و کلان در صحنه های فرهنگی و اقتصادی و نظامی حاضر، و همدوش مردان یا بهتر از آنان در راه تعالی اسلام و مقاصد قرآن کریم فعالیت دارند؛ و آنان که توان جنگ دارند، در آموزش نظامی که برای دفاع از اسلام و کشور اسلامی از واجبات مهم است شرکت، و از محرومیت‌هایی که توطئه دشمنان و ناآشنایی دوستان از احکام اسلام و قرآن بر آنها بلکه بر اسلام و مسلمانان تحمیل نمودند، شجاعانه و متعهدانه خود را رها کرده و از قید خرافاتی که دشمنان برای منافع خود به دست نادانان و بعضی آخوندهای بی اطلاع از مصالح مسلمین به وجود آورده بودند، خارج نموده اند؛ و آنان که توان جنگ ندارند، در خدمت پشت جبهه به نحو ارزشمندی که دل را از

شوق و شعف به لرزه در می آورد و دل دشمنان و جاهلان بدتر از دشمنان را از خشم و غضب می لرزاند اشتغال دارند" (همان ص ۱۴۷)

بخش پنجم: نقش زنان در شکل گیری نظام اسلامی و استمرار آن

زنان، دارای برکات زیادی هستند و به عنوان نیمی از بدنه جامعه بشریت، همواره بیشترین بار مشکلات را بر دوش می کشند؛ دین مبین اسلام برخلاف جوامع و تمدن جاهلی که زنان را حقیر و ضعیف و دون شمرده و آنان را در خدمت ابتذال و فساد گرفته بود، به زنان، شخصیتی باکرامت و مقامی والا بخشید. این مقام و منزلت، توأم با فداکاری و ایثار، در پرتو انقلاب اسلامی تجلی یافت و عطر شکوفایی این موجود بزرگوار و بافضیلت، جهانیان را به شگفت آورد. زنان، نه تنها در پیروزی انقلاب اسلامی سهم بزرگی ایفا کردند، بلکه در تثبیت نظام جمهوری اسلامی و تداوم انقلاب اسلامی حرف اول را زدند و با حضور در صحنه انقلاب اسلامی، دشمنان را در به سرانجام رساندن توطئه ها و نقشه های شوم خود در عرصه های گوناگون فرهنگی، نظامی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و... ناکام گذاشتند. حضرت امام خمینی، نقش و سهم بزرگ زنان در پیروزی انقلاب، را همواره مهم دانستند و در فرمایشات خود به آنان جایگاه و منزلتی ویژه عطا کردند.

بند اول: تحولات روحی و فکری بانوان

تحول زنان از برکات نظام مقدس انقلاب اسلامی بود و آنان را در مسیر اسلام و ارزشهای الهی هدایت کرد و به آنان هویت بخشید و از گزند ابتذال و بی بند و باری که محصول تفکر غرب بود مصون داشت و بانوان را به سوی عزت خواهی، عفاف، درک شخصیت و کمال جویی و تحول فکری و روحی هدایت کرد و از دون مایگی رهانید. در واقع زنان مسلمان در انقلاب اسلامی شخصیت و هویت خویش را یافتند و به مقام و منزلت والای خویش پی بردند و بینش سیاسی، فرهنگی و اجتماعی پیدا کردند. این تحول فکری و روحی بزرگی که نصیب زنان شد، موهبت الهی بود که امام خمینی بارها از آن به بزرگی یاد کرده و آن را افتخار بزرگ ملت ایران دانسته و فرمودند: من در جامعه زنهای یک جور تحول عجیبی می بینم که بیشتر از تحولی است که در مردها پیدا شده است (صحیفه نور ج ۱۱ ص ۱۶۲) خانمهایی که در قبل وضعشان یک نحو دیگری بود، و رژیم آنها را به یک مسایل

دیگری مشغول کرده بود، متحول شدند به کسانی که در مقابل رژیم ایستادند (همان ج ۸ ص ۱۶۴) نهضت اسلامی به برکت اسلام چنان تحولی در نفوس زن و مرد به وجود آورده که ره صد ساله را یک شبه طی نموده است (همان ج ۱۲ ص ۷۲) این یک تحولی بود که بشر نمی توانست این تحول را درست کند. این تحول الهی بود. این تحول که در ایران پیدا شد، تحول همه جانبه بود (همان ج ۷ ص ۲۶۲) یعنی زنان در تمام زمینه های روحی، فکری، اخلاقی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و انگیزه ها و اهداف، الهی شده بودند و می خواستند در صبغه اسلام قرار گیرند و در مسیر حضرت زهرا (س) و زینب کبری (س) قدم بردارند زنان مسلمان از حالت بی اعتنائی بیرون آمدند و نسبت به سرنوشت خود و خانواده خویش و اسلام احساس مسوولیت کردند که امام در این باره فرمودند: همان زنهایی که آن وقت که (اصلاً) بی تفاوت بودند راجع به کشور خودشان، راجع به همه چیز، همین ها وارد شدند در میدان و دیدیم که خوب هم می توانند انجام وظیفه کنند (همان ج ۹ ص ۱۵۶)

بند دوم: حضور در کارزار انقلاب اسلامی

حضور پرشور در صحنه انقلاب اسلامی از افتخارات بزرگ زنان مسلمان ایران اسلامی است. آنان در همان روزهای نخستین انقلاب وارد میدان مبارزه شدند و با جهاد خود قدم به قدم، انقلاب اسلامی را یاری کردند. زنان با عزمی استوار علیه طاغوت و استکبار جهانی به صحنه مبارزه آمدند و دین خود را نسبت به اسلام و انقلاب به خوبی ادا کردند. امام خمینی خطاب به بانوان فرمود: شما خواهان در این نهضت سهم بسزایی داشته اید. (صحیفه نور ج ۹ ص ۲۸۵) شما سهم بزرگی در نهضت اسلامی ما دارید. شما در اتیه برای مملکت ما پشتوانه هستید (همان، ج ۲۲ ص ۲۱۹)

بند سوم: میل به مبارزه

رها ساختن زندگی آرام و بی درد سر و روی آوردن به زندگی پرمخاطره و مبارزه با طاغوت یکی از تحولاتی بود که خداوند در وجود زنها به وجود آورد. آن ترس و وحشتی که از طاغوت داشتند، از میان رفت و شجاعت و شهامت جای آن نشست. زنان مسلمان از چکمه پوشان و سرنیزه های گارد شاهنشاهی واهمه ای به دل راه نمی دادند و از زخمی و کشته شدن نمی هراسیدند. امام راحل این گونه این تحول را بیان می کند: (خداوند) قلبها را از آن وحشت

بیرون آورد، از آن وحشتی که از این رژیمها همه داشتند، از آن وحشت بیرون آورد و به جای آن تصمیم و شجاعت به ایشان داد، به طوری که زنها، بچه ها و مردها، همه به مبارزه برخاستند. کی سابقه داشت که زن در مبارزه بیاید مقابل توپ و تانک بایستد؟ این یک تحول روحی بود که خدای تبارک و تعالی در این ملت تحول را ایجاد فرمود (صحیفه نور ج ۷ ص ۱۲۹)

بند چهارم: تحول سیاسی

بانوان به برکت انقلاب اسلامی و هدایت‌های پیامبرگونه امام خمینی چنان از بینش سیاسی برخوردار شدند که دشمنان اسلام و انقلاب از گمراه ساختن آنان ناامید و درمانده شدند. زنان با شناختی که از ماهیت و ترفندهای دشمنان اسلام پیدا کردند گام در میدان مبارزه و سیاست نهادند و خصم دون را از صحنه بیرون راندند. امام خمینی در دیدار زنان مناطق ساحلی جنوب ایران با اشاره به این تحول بزرگ سیاسی می فرماید: در اینکه می بینم گوینده شما بانوان ساحلی، مسایلی را که مطرح می کند، مسایل روز است، مسایل سیاسی روز است، مسایل اجتماعی روز است، همان طور که بانوان دیگر در مراکز و در سایر جاهای ایران مسایلی را که مطرح می کنند، مسایل روز و مسایل سیاسی و اجتماعی است، که این تحول به برکت این نهضت اسلامی پیدا شده، من امیدوارم که این تحول باقی بماند (صحیفه نور ج ۷ ص ۲۶۲)

نتیجه گیری

قران کریم حاکمیت را ذاتا از آن خداوند می داند زیرا اوست که مالک حقیقی وافریننده ی هر آنچه در آسمان ها و زمین است و تخصیص حاکمیت به غیر ذات حق را مردود میداند البته واضح است که خداوند در عالم مادی قابل تجسم نیست تا خود به صورت مادی زمامدار مقتدر حکومت حکمرانی کند لذا به همین جهت نمایندگان خویش را که همان پیامبران الهی هستند را مبعوث نمود و در غیاب آنان ائمه اطهار و فقیه جامع الشرایط زمامدار و عهده دار جامعه اسلامی اند تفکر جامعه اسلامی بر این مبنا است که زنان بصیر و پاکدامن می توانند ضمن حفظ عفت خویش آزادانه در سیاست، تحصیل، انتخاب شغل، انتخابات، انجام معاملات شرکت کنند. الگوی انقلاب اسلامی در کنار اینکه فضا را برای حضور فعال زنان در عرصه های مختلف را فراهم ساخت اما حساسیت های خاص خود را نیز تبیین می نماید و تا آنجایی

که این امور به نقش های کلیدی آنان از جمله مادری و همسری خدشه ای وارد نسازد مخالفتی ندارد. از همین رو پذیرش مدیریت در سطوح میانی و نه در سطح اول زمامداری را برای آنان در حدود شرعی و قانونی را جایز دانسته و موافق حضور وی در عرصه ها و صحنه های مختلف اعم از سیاسی و فرهنگی و اجتماعی است و لازمه پیشرفت جامعه و سعادت و ترقی آن می داند امام خمینی علاوه بر تصدیق نقش مهم زنان در توسعه نظام سیاسی بر آشنایی کامل زنان از اوضاع سیاسی داخلی، منطقه ای و بین المللی و منطقه ای تاکید ویژه ای داشتند ایشان معتقد بر این بود که زنان همیشه دوشادوش مردان در رشد و شکوفایی جوامع انسانی گاه به صورت مستقیم و گاه به صورت غیر مستقیم نقش بسزایی داشته اند و فلذا عمل به حدود و قواعد الهی را که در قرآن کریم بعنوان کامل ترین نسخه جهت راهنمایی انسان ها نازل شده است تا مبین نقش و حقوق و تکالیف هر یک از زن و مرد باشد لازمه خوشبختی و ترقی جامعه در همه ابعاد می دانند.

یادداشت ها:

۱- و بدانید که آنچه غیر از خدا می پرستید، جز اسمائی (بی حقیقت و الفاظی بی معنی) نیست که شما خود و پدرانانتان نامیده (و ساخته) اید، خدا هیچ حجتی بر آن نفرستاده، تنها حکمفرمای عالم وجود خداست، امر فرموده که جز آن ذات پاک یکتا کسی را نپرستید، این توحید آیین محکم است لیکن اکثر مردم بر این حقیقت آگه نیستند

۲- بگو: من هر چه می گویم با برهانی از سوی پروردگارم است و شما تکذیب آن می کنید. عذابی که شما بدان تعجیل می کنید امر آن به دست من نیست، فرمان جز خدا را نخواهد بود، که به حق دستور می دهد و او بهترین حکم فرمایان است

۳- امام صادق (ع) می فرماید: خداوند تبارک و تعالی در قرآن، پیامبرش را در مورد دعوت کردن به خود باخبر نموده و کسانی را که [دیگران را] به سوی او دعوت می کنند توصیف فرموده و این دعوت کردن را برای آنها [شامل] درجاتی قرار داده است که هر درجه از آن با درجه‌ی دیگر شناخته می شود و برخی، دلیل بر دیگری قرار می گیرد و خداوند [در قرآن] خبر داده که خود، اولین کسی است که [بندگان را] به سوی خود و اطاعت و تبعیت از او امرش دعوت می کند. پس، از خودش شروع کرده. آنگاه در مرتبه‌ی دوم، رسولش را بیان نموده... آنگاه در مرتبه‌ی سوم دعوت به خود کتابش را بیان کرده و فرموده: **إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ** دعوت می کند و بشارت می دهد.

۴- و کسانی که کارهای شایسته کنند چه مرد باشند یا آن در حالی که مؤمن باشند آنان داخل بهشت می شوند و به قدر گودی پشت هسته خرمایی مورد ستم قرار نمی گیرند

۵- وقتی آن را درست کردم و از روح خود در آن دمیدم پیش او به سجده درافتید

۶- مردان را بر زنان تسلط و حق نگهبانی است به واسطه آن برتری که خدا برای بعضی بر بعضی مقرر داشته و هم به واسطه آنکه مردان از مال خود نفقه دهند، پس زنان شایسته مطیع شوهران و در غیبت آنان حافظ (حقوق آنها) باشند از آن رو که خدا هم (حقوق زنان را) حفظ فرموده است. و زنانی که از نافرمانی آنان (در حقوق همسری) بیمناکید باید نخست آنان را موعظه کنید و (اگر مطیع نشدند) از خوابگاه آنان دوری گزینید و (اگر باز مطیع نشدند) آنان

را به زدن تنبیه کنید، چنانچه اطاعت کردند دیگر راهی بر آنها مجوید، که همانا خدا بزرگوار و عظیم الشأن است

۷- آیا کسی را شریک خدا قرار می دهند که در زر و زیور پرورش یافته و در مجادله بیانش روشن نیست

۸- الا ای پیغمبر (گرامی) چون زنان مؤمن آیند که با تو بیعت کنند که دیگر هرگز شرک به خدا نیاورند و سرقت و زنا کاری نکنند و اولاد خود را به قتل نرسانند و بر کسی افترا و بهتان میان دست و پای خود نبندند (یعنی فرزندی را که میان دست و پای خود پرورده و علم به آن از انعقاد نطفه او دارند به دروغ به کسی غیر پدرش نبندند) و با تو در هیچ امر معروفی مخالفت نکنند، بدین شرایط با آنها بیعت کن و بر آنان از خدا آمرزش و غفران طلب، که خدا بسیار آمرزنده و مهربان است

منابع و مآخذ

قرآن کریم و بعد

_ خمینی، روح الله، رهبرانقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، نگرشی موضوعی بر وصیتنامه سیاسی الهی امام خمینی، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۷۲.

_ عزیزخانی، عبدالعظیم؛ حسنی، مهرداد (۱۳۹۰) چاپ اول، اصول و مبانی مدیریت در اسلام، تهران: انتشارات هنر آبی

_ مرتضوی، سیدضیا: امام خمینی و الگوهای دین شناختی در مسائل زنان، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم

- ابن اسعد؛ محمدابن اسعد (۱۴۲۰ه.ق)، الطبقات الكبرى، بیروت: دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون

- النوری الطبرسی، میرزا حسین، مستدرک الوسائل: قم، موسسه آل البيت (ع)، الاحیاء التراث

- امام خمینی، روح الله (۱۲۷۹ه.ق): صحیفه نور، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)

- امینی، ابراهیم، جایگاه و الگوی زن مسلمان در اندیشه امام خمینی

- خمینی، روح الله (۱۳۷۸)، ولایت فقیه: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)

- صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)

- طباطبایی، محمدحسین (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: موسسه الانشرا الاسلامی، چاپ

پنجم

- کلینی، محمد یعقوب، (۳۲۹ه.ق) فروع کافی، ترجمه گروه مترجمان، قم

- مطهری، مرتضی (۱۳۹۶) نظام حقوق زن در اسلام، انتشارات صدرا

- مهریزی، مهدی (۱۳۹۰)، شخصیت و حقوق زن در اسلام، انتشارات علمی و فرهنگی

- خدایار، دادخدا؛ حیدری نسب، علیرضا، جایگاه و نقش زنان در حکومت اسلامی در دیدگاه

امام خمینی، دوفصلنامه مطالعات بیداری اسلامی